

موضوع: مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک ۵

روش‌شناسی تفریع فروع فقه زیست‌فناوری و تفصیل مسائل آن.

طبق چارچوب ساختاری‌ای که برای فقه زیست‌فناوری پیشنهاد کرده بودیم، در جلسه امروز بنا داریم راجع به منطق تفریع فروع و تولید و تفصیل مسائل فقه زیست‌فناوری (منهجه تفریع فروع فقه التكنولوجيا الحيويه و تفصیل مسائله) بحث کنیم. هم‌مساله تفریع فروع کار دقیق و دشواری است. هم دسته‌بندی و طبقه‌بندی فروع تولید شده و تبدیل انباشت مسائل، به یک سامانه‌ی معرفتی منطقی و منسجم کار سخت و سنگینی است. از خصوصیات بعضی از آثار فقهی باز مانده از سلف صالح (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین)، این حیث است. بعضی بزرگان ما با برخورداری از ذهن فعال و جوال ذیل ابواب فقهی، بطور شگرفی فروع و فروض فراوانی را طرح کرده، آنها را مورد بحث قرار دهند و راجع به هر یک بحیث حکمی نظر دهند. مثلاً از جمله امتیازات و خصوصیات "عروه الوثقی"ی سید یزدی (رضوان الله تعالی علیه) کثرت و تنوع فروعی است که ایشان ذیل هر یک از ابواب مطرح کرده است. فوق‌العادگی ساختاری یا جامعیت ابوابی، امتیاز این کتاب نیست، بلکه کثرت فروع در ابوابی که آن بزرگوار در آنها وارد بحث شده، امتیاز این اثر است. و الا، عروه الوثقی، کتاب جامع فقهی نیست. عروه الوثقی از پنجاه و دو یا هفتاد و دو باب کما بیش شایع و رایج در تبویب فقه، مجموعاً شامل هفده باب است. پس جامع نیست. هنر مرحوم سید، در این بوده که فروع فقهیه ذیل هر باب را خوب استقراء و به طور نسبی استقصاء فرموده است. بنابراین، فقهای ما در طول افزون بر یک قرن که از تألیف عروه الوثقی سپری شده، غالباً آرائشان را براساس فروع عروه، و به صورت تعلیقه و شرح بر آن ارائه می‌کنند یا احیاناً در مقام تدریس خارج فقه نیز، حول محور مسائل و ذیل عروه الوثقی بحث می‌کنند. جهت این علاقه و اهتمام به محور قرار دادن و مبنا انگاشتن عروه الوثقی، کثرت فروع و ترتیب شایسته مسائل فرعی در این اثر ارزشمند است. کما اینکه به لحاظ ساختار بندی و تبویب ابواب، فو صورت بندی فقه شرایع محقق حلی» (رضوان الله علیه) در عصر خودش، بلکه تا قرن های متمادی، از فوق‌العادگی برخوردار بوده است. لهدانوع فقهای بزرگوار ما پس از محقق، در آثار تالیفی

خود از آن بزرگوار تبعیت می کردند. زیرا می دیدند اگر بناست ابواب فقه را با یک سیر و ساختار منطقی و منسجم طرح و تعقیب کنند، شرایع در حد مطلوب - بلکه در حد اعلی - این ساختار را دارد. بنابراین، غالباً مایل بودند آثار تألیفی تفصیلی خود را بر مبنای ساختار شرایع انجام دهند. بعد از شرایع محقق حلی، غالب کتب فقهی ما، حتی تفصیلات که هر یک به ده‌ها جلد هم بالغ می‌شود تحت تأثیر تبویب شرایع است.

لهذا مسئله تفریع فروع، تفصیل مسائل و تبویبفروع تفریع شده و مسائل تولید شده در قالب یک سامانه‌ی منسجم و منطقی در بخش جدیدفقهی که فاقد پیشینه بوده و اثری درباره آن وجود ندارد که تفریع و فروع پرداخته باشد و آنها را ساختاربندی کرده باشد، بسیار بسیار دشوار و حوصله‌سوز است. لهذا بناچار، باید اول به ارائه منطق مناسب برای حل این دو مسئله پردازیم، سپس به تفریع و تفصیل و تبویب آن اهتمام کنیم. به این جهت، در این جلسه بناست منطق و منهج تفریع فروع و تبویب و تفصیل مسائل این بخش فقهی یعنی «فقه مهندسی ژنتیک» پردازیم.

ملاحظات هفت گانه در تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه مهندسی ژنتیک

به نظر می‌رسد: جهت تنظیم منطقی مناسب برای تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه مهندسی ژنتیک، باید بر اساس ملاحظات هفت گانه‌ای که عرض می‌کنیم عمل کرد. این منطق به عنوان رکن رکین در تبویب و ساختاربندی (دسته‌بندی عرضی/افقی و نیز طبقه‌بندی طولی/عمودی) فقه زیست‌فناوری نیز نقش آفرینی می‌کند.

مباحث قابل طرح ذیل عنوان فقه مهندسی ژنتیک باید بر اساس این ملاحظات هفت گانه صورت ببندد.

عرصه‌های پانزده گانه‌ی معرفت و معیشت بشر و مهندسی ژنتیک

اولین ملاحظه همان ملاحظه عرصه‌ها و ساحاتی است که در قلمرو معرفت و معیشت بشر معاصر از مهندسی ژنتیک متأثر است. اجمالاً پانزده عرصه را جلسه قبلی و ما قبل آن مطرح کردیم. «المجالات العلیمه» یا عرصه‌های علم و دانش، یعنی مهندسی ژنتیک و تأثیراتش بر عرصه‌های علم و دانش علی‌الاطلاق، «المجالات المعرفیه»، عرصه‌های معرفتی و شناختی، «المجالات العَقدیه و الکلامیه»، عرصه‌های عقیدتی و الهیاتی، «المجالات الاخلاقیه» عرصه‌های اخلاق و ارزش‌های متعالی، «المجالات القضائیه و الجزائیه»، عرصه‌های قضایی و جزایی، «المجالات الاجتماعیه و الثقافیه»، عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، «المجالات الصحیه و الطبیه»، عرصه‌های بهداشتی و درمانی، «المجالات الصيدلانیه و الدوائیه»، عرصه‌های داروسازی و تولید مواد بهداشتی و زیبایی، «المجالات الزراعیه»، عرصه‌های کشاورزی، «المجالات الغذائیه»، عرصه‌های تولید مواد غذایی و ذیل آن مسائل تراریخته‌ها، «المجالات البیئیه» عرصه‌های مربوط به محیط زیست، «المجالات الصناعیه»، عرصه‌های گوناگون صنعتی و صناعی که ذیل مهندسی ژنتیک پدید آمده و در حال توسعه است، «المجالات الاقتصادیه و التجاریه»، عرصه‌های گوناگون اقتصاد و تجارت که مهندسی ژنتیک بر آن تأثیر چشمگیر نهاده و همچنان در حال بسط و توسعه است، «المجالات الامنیه»، ساحات و عرصه‌های امنیت، مهندسی ژنتیک با مسائل امنیتی بشر و کشورها و دولت‌ها امروزه پیوند خورده و تأثیرات فوق‌العاده‌ای بر آن دارد، «المجالات العسکریه و العدائیه»، عرصه‌های تولید سلاح‌ها و جنگ‌آوری بیولوژیک، جنگ‌هایی که با بهره‌گیری از اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه می‌تواند اتفاق بیفتد.

این پانزده مجال و محور، مجالات و عرصه‌هایی است که مهندسی بیولوژیک و زیست‌فناوری با آنها درگیر است. این ملاحظه و جهتی که عرض شد، می‌تواند بستر اصلی تنظیم و تبویب فقه مهندسی بیولوژیک قرار گیرد. به این معنا که ابواب اصلی فقه مهندسی ژنتیک را مبتنی بر این پانزده محور کنیم. اینها بستر و ابواب اصلی فقه مهندسی ژنتیک بشوند. سپس، ذیل هر یک از این ابواب و مجالات و ساحات، با لحاظ شاخص‌ها و جهاتی که بر خواهیم شمرد به بسط مسائل، فروع، فروض پردازیم. فرض بفرمایید ذیل «مجالات زراعیه» می‌توانیم فروع، شقوق و غصونی را شاخه‌هایی را فرض کنیم که آن باب را بسط دهند. به ترتیب عرض خواهیم کرد، بسط و تفصیل هر بابی که انباشتی از فروع را ایجاد کند، می‌تواند به ملاحظه جهات مختلفی

صورت ببندد. پس از جهت اول یا اولی برای تفریع فروع و تبویب مباحث فقه مهندسی ژنتیک، که عبارت بود از توجه به حضور و تأثیر مهندسی ژنتیک در عرصه‌ها و ساحات مختلف، ملاحظه و جهت دومی که باید ملحوظ داشته شود و تأثیر آن را به عنوان یک ملاک و مبنا برای تفریع فروع لحاظ کنیم، شاخه‌های هر یک از این عرصه‌ها و ساحات است. هر یک از این عرصه‌ها، شاخه و شعبه و به اصطلاح اقسامی دارد. می‌توانیم آن اقسام را لحاظ کنیم. فرض بفرمایید در عرصه اول، یعنی علم و دانش، اینکه علم و دانش تحت تأثیر مهندسی ژنتیک به چه شاخه‌ها و رشته‌هایی می‌تواند تقسیم شود. ذیل این این باب، انواع شاخه‌ها و رشته‌های علمی و دانشی مرتبط که استعداد آن را دارد تا پاره‌ای سوالات فقهیه درباره آن مطرح شود و فروع فقهیه تولید شود و نیاز به بحث اجتهادی و فقهی داشته باشد را می‌توان فهرست کرد. در نتیجه عنوان باب، حسب فروع، شاخه‌ها و رشته‌های آن، می‌تواند به ابواب و بخشهای خردتری تقسیم شود. فرض بفرمایید باید ببینیم علم و دانش که اولین عرصه بود، به حوزه انسان، حیوان، نبات یا عناصری که حی به حساب نمی‌آیند مربوط می‌شود. عناصری که در واقع جنبده و زنده نیستند. اما به نحوی ذیل عناصر هستند. از اجزاء عناصر زنده هستند و مثلاً می‌تواند با یک جهش تبدیل به موجود زنده شوند. مثل کرونا ویروس که یک موجود فوق‌العاده ریز غیر زنده است. پروتئینی است که با چربی به اصطلاح پوشش داده شده است. اما وقتی همین عنصر ریز غیر زنده، در محیط خاصی مثل ریه قرار می‌گیرد، جهش پیدا کرده، خاصیت زیستی پیدا می‌کند. خودش را فعال می‌کند و احیاناً آثاری بر حیات انسان بر جای می‌گذارد. انسان، حیوان، نبات یا ما دون به اصطلاح موجودات زنده «الكائنات الحیه.»»

می‌توانیم ذیل هر یک از این ابواب، فروعی را بر اساس اینکه این باب، معطوف به مسائل انسان، حیوان، نبات یا ما دون به اصطلاح موجودات زنده باشد لحاظ کنیم. و به این ترتیب بتوانیم این باب را به اجزا و بخش‌های خردتر تقسیم کنیم. این هم ملاک دوم که در واقع هر باب یا هر یک از عنوان‌های مربوط به عرصه‌های پانزده گانه را خرد کنیم و برایش اجزاء و بخش‌هایی فرض کنیم. سپس آن بخش‌ها، اجزاء و به اصطلاح شاخه‌ها را به مثابه یک محور فرعی، در لایه و سطح دوم فرض کنیم و ذیل آن سوالات فقهی

مطرح کرده، پاسخ مطالبه نماییم. ما در واقع عرصه و ذیل آن، فروع و شاخه‌هایی را که آن عرصه می‌تواند داشته باشد عرض کردیم. این دو ملاحظه ای که عرض شد بر اساس موضوع بود.

ملاحظه سوم، بر اساس فعلِ صادر است. مکلف چه کاری بر متعلق مهندسی ژنتیک انجام می‌دهد؟ چه فعلی از مکلف صادر می‌شود؟ به هر حال، مکلف در حوزه علم و دانش و ذیل آن، مثلاً علم و دانش مرتبط با انسان، حیوان، نبات یا ما دون حیوان چه کاری انجام می‌دهد؟ می‌شود احتمالات گوناگونی را مطرح کرد که معطوف به آن فرع از آن عرصه از انسان می‌تواند صادر شود. گاهی این فعلِ صادر، به صورت عرضی است. به صورت گزینه‌های هم عرض و موازی قابل فرض است. مثال ساده ای می‌زنم. فرض کنید می‌گوییم تصرف در درخت با استفاده از مهندسی ژنتیک و اعمال فرآیندهای زیست فناوریانه می‌تواند در ساده‌ترین وجه، برای تکثیر یک نوع از گیاه یا درخت به چند شکل صورت پذیرد. مثلاً بشر در وهله اولی در دوره‌های حیات بدوی خود، می‌دید فلان درخت در فلان منطقه از زمین روید. آرام آرام پی برد، علت رویش این درخت جدید، این بوده که مثلاً هسته‌ای از آن نوع درخت روی زمین قرار گرفته، شرایطی برایش به وجود آمده، مثلاً خاک رویش ریخته شده دما دیده، رطوبت به او رسیده و سبز شده است. سپس پی برد می‌توان هسته این درخت را در نقاط و شرایط مناسب و مساعد قرار داد و درخت جدیدی رویاند. این یک شیوه تکثیر درخت است. بعدها احیاناً متوجه شد می‌شود از یک گزینه دیگر برای تکثیر درخت استفاده کرد. می‌توان از گزینه قلمه زدن استفاده کرد و رفت این را تجربه کرد. این دو جور فعل است که از زارع صادر می‌شود. باید ملاحظه شود حکم این دو نوع فعالیت کشاورز برای تکثیر این نوع از درخت تفاوت می‌کند؟ بسا در مواردی بتوان گفت یک گزینه مجاز، و گزینه دیگر مجاز نیست. این مسئله ممکن است در خصوص مثال‌هایی که مربوط به انسان و حیوان است مصداق بیشتری پیدا کند. می‌خواهم عرض کنم یکی از ملاحظاتی که باید در نظر داشت مسئله‌ی فعلی است که از انسان به عنوان "عامل" در فرآیند زیست فناوری و مهندسی ژنتیک صادر می‌شود. یکبار این فعل به لحاظ گزینه‌های موازی و هم عرض قابل

فرض است که چند گونه فعل از انسان صادر می‌شود، ولی همه در یک رتبه و سطح هستند و هم عرض قلمداد می‌شود.

ملاحظه چهارم هم از حیث فعل صادر از عامل مهندسی ژنتیک است. ولی طبقه‌بندی فعل صادر، از حیث طولی می‌تواند مورد نظر باشد. اینکه در فرض قبلی می‌گفتیم فعل صادر می‌تواند براساس گزینه‌های مختلفی صورت ببندد، که هم عرض هستند. الان در ملاحظه‌ی چهارم، می‌خواهیم بگوییم ما به حیث طولی توجه کنیم. اینکه فعلی که از انسان صادر می‌شود، به لحاظ طولی در چه رتبه‌ای قرار دارد. چون ممکن است فعل زیست‌فناورانه و مهندسی ژنتیک، در یک مجال و عرصه‌ای، در یک صورت بسیار ساده و اولیه، صادر شود و یک حکم داشته باشد. بعد پیچیده و پیشرفته‌تر بشود و حکم دیگری داشته باشد. به همین منوال رفته رفته پیچیده‌تر شود. حتی ممکن است هر چه پیچیده‌تر شدن، بتواند در حکم فروض پیچیده تأثیر داشته باشد. مثلاً ما وقتی از صورت‌های ساده زیست‌فناوری و مهندسی بیولوژیک در گیاه استفاده می‌کنیم، ممکن است بگوییم اشکالی ندارد. اینکه قلمه بزئیم چه عیبی دارد؟ یک نوعی از یک درخت که دو گونه دارد، جنس خوب از یک درخت را در جایی قلمه بزئیم یا احیاناً جوانه‌ی یک درخت دیگری را روی شاخه آن درخت پیوند بزئیم. این صورت‌های اولیه هیچ ایرادی ندارد. مثلاً در حیوان، نطفه یا اسپرم قسم خاصی از نوع حیوانی تلقیح کنیم. بگوییم تلقیح حیوان هیچ اشکالی ندارد. یا بر اساس تناکح دو نوع حیوان، مثلاً فرض کنید اسب و الاغ، ما نوع دیگری از حیوان را تولید کنیم و قاطر به وجود بیاید. ممکن است بگوییم در این حدود هیچ اشکالی ندارد و مباح و مجاز است. اما پیشتر که برویم، ممکن است بعضی از تصرفات و تطبیقات به اصطلاح وراثی و بیولوژیک انجام شود که گفته شود مجاز نیست. به اصطلاح فرض‌های پیشرفته‌تر و احیاناً وسیع‌تری به میان بیاید. مثلاً گفته شود روی سلول‌های بنیادین نباید کار کنیم. نباید از رهگذر باز پروری و فرا‌آوری سلول‌های بنیادین و استنساخ و مشابه‌سازی، حیوانی را بدون پدر و مادر به وجود بیاوریم. ممکن است کسی بگوید صورت ساده‌ی استفاده از تناکح دو حیوان و متولد کردن نوع سوم اشکالی ندارد. اما اینکه بخواهیم در قالب استنساخ حیوانی را به عرصه وجود بیاوریم، این ممکن

است اشکال داشته باشد. من این را به عنوان احتمال دارم عرض می‌کنم و الان در مقام رأی دادن نیستم. می‌خواهم بگویم در حوزه مهندسی ژنتیک به چه نحوی می‌توانیم فروع فقهی مختلف را تولید کنیم. یکی از جهاتی که باید در نظر گرفت و اعمال کرد، ملاحظه‌ی سطح تصرف و دخالتی است که در فرآیند زیستی انجام می‌دهیم. چه مقدار تصرف کنیم؟ تا کجا می‌توانیم تصرف کنیم؟ ممکن است کسی بگوید این جهات در حکم تأثیر دارد. اینکه مثلاً کسی با تناکح دو حیوان، حیوان سومی به وجود بیاورد اشکالی ندارد. اما با فرآوری سلول‌های بنیادی اشکال دارد. حتی مثلاً ممکن است گفته شود فرآوری سلول بنیادین حیوانی، اشکال ندارد و از آن منع نکنیم. اما فرآوری سلول بنیادین انسانی ممنوع باشد. این جهات می‌تواند در حکم کار مهندسی ژنتیک و زیست‌شناس تأثیر بگذارد.

ملاحظه پنجمی که بر اساس آن می‌توان فروعی تولید کرد، اقسام مصنوعات، فرآورده‌ها و محصولات است که بر اثر اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه و تطبیقات و تعدیلات، در چارچوب تکنولوژی حیویه بدست می‌آید. خب اینکه شما با استفاده علم الاحیا و با استخدام مهندسی ژنتیک یا «التکنولوجیه الحیویه» فرآیندی را اعمال می‌کنید و محصولی به دست می‌آورید، باز ممکن است با طی یک فرآیند، یک محصول دیگری حاصل شود. ممکن است محصولاتی که بدست می‌آیند و نوع محصول، در حکم اقدام و استخدام و طول فرآیند تأثیر بگذارد. مثلاً یک بار با طی فرآیندی، ابزارهای جنگی مهلک و بار دیگر، ابزارهای مورد نیاز عادی بشر را تولید می‌کنید. نمی‌شود گفت این دو گونه محصول و فرآورده، که امروزه به وجود آمده، در دسترس ما قرار گرفته و حاصل طی فرآیند زیست‌فناورانه است، حکم واحدی دارند. قهراً این‌ها می‌توانند متفاوت باشند. این احیاناً جهت فائده مندی و زیان‌وری محصول و فرآورده بود، که البته خود این هم یک ملاک و ملاحظه است که در عداد این ملاحظات به همین اشاره خواهیم کرد. گاهی این جهت که یک فرآیند تولید می‌شود و موجود ناقص الخلقه‌ای به وجود می‌آید و لطمه با آن موجود می‌زند. اما فرآیند دیگری طی می‌شود که چنین اثری ندارد. یا فرآیندی طی می‌شود که انبوهی از موجودات زنده را تولید می‌کند و خود این برای انسان، حیات حیوانات یا نباتات عوارضی دارد. یا نمی‌توانیم آن را مدیریت کنیم.

خب این یک حکمی دارد. اما مثلاً وقتی فرآیندی طی می‌شود، به اندازه فرآورده محصول بدست می‌دهد و هیچ عوارضی از این جهت به لحاظ کمیت فرآورده‌ها بر آن مترتب نیست. ممکن است حکم این دو مسئله با هم متفاوت باشد.

مسئله‌ای که مع الاسف اخیراً در فضای مجازی مطرح و دست به دست شد. طبقاتی از جامعه به آن اعتراض کردند. عواطف را به حق جریحه‌دار کرد و به مثابه یک فاجعه قلمداد شد، اینکه تصاویر دردناکی از صحنه معدوم کردن انبوهی از جوجه‌هایی ماشینی یک روزه پخش شد و کارگران و عواملی، آنها را بی رحمانه معدوم می‌کردند، خب آیا این قابل مطالعه نیست؟

فاجعه‌ای -من با توجه دارم تعبیر فاجعه می‌کنم- پیش چشم میلیون‌ها نفر قرار گرفت و دیدیم بر اثر یک رفتار غلط، با بی‌رحمی تمام، انبوهی از موجودات زنده دارد معدوم می‌شود. خب توجیهی هم با این مطرح شد که از جنس عذر بدتر از گناه بود. این رفتار اگر ادعا نکنیم از لحاظ فقهی و شرعی معصیت هست، مسلماً از لحاظ عاطفی و اخلاقی معصیت بود. خب از آن طرف توجیه شد که این روالی عادی است. ما مازاد جوجه‌هایی که تولید می‌کنیم را به همین راحتی و با همین بی‌رحمی نابود می‌کنیم. این کار روزمره ماست. این اصلاً توجیه درستی نبود و مشکل را حل نکرد. عذری بود بدتر از خود گناه. حالا گرچه این نکته‌ای که عرض می‌کنم خارج از درس و موضوع بحث ماست، ولی آیا نمی‌شد و نمی‌شود با یک برنامه‌ریزی ساده و فراهم کردن امکانات حداقلی، این جوجه‌ها را روزانه در روستاها، در خانه‌ها رایگان یا با قیمتی بسیار نازلی توزیع کرد و در اختیار مردم گذاشت؟ به این ترتیب این‌ها در منازل در مزارع بروند و به شیوه بسیار ساده‌ای پرورش پیدا کنند. در این صورت، جان موجودات زنده‌ای را حفظ کرده‌ایم و تخلف اخلاقی و احیاناً فقهی نکرده‌ایم. چون ما روایاتی داریم که کسی حق ندارد از موجودات زنده به غیر حق و نا به جا سلب حیات کند. و این موجودات زنده در قیامت به ساحت الهی از چنین افرادی شکایت و شکوه می‌کنند. احیاناً با توزیع این حیوانات، موادی تولید می‌شود مردم مصرف می‌کنند. بسا

کسانی از مازاد تولید این کارخانه‌ها مشاغلی ایجاد کنند، شغل‌های بسیاری به وجود بیاید و افراد بیکار بسیار زیادی مشغول شوند. به هر حال این موضوع می‌تواند و باید مدیریت شود. غرض این بود که مثال بزنی و بگویم گاهی حتی اینکه ما به صورت انبوه، با اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه موجوداتی را تولید کنیم که از جهات مختلف اثری بر آن مترتب باشد، این جهت هم می‌تواند به عنوان یکی از ملاحظات در تفریع فروع و تولید انباشتی از سوالات و مسئله‌ها نقش آفرینی کند. به این ترتیب ما فروع فقهی این قسم از فقه را تولید کرده، به بحث راجع به آنها پردازیم.

شاخص‌های دیگری هم هست. ولی از آنجا که وقت سپری شد، فقط اشاره می‌کنم و بحث را در جلسه بعد تکمیل خواهیم کرد. بر اساس این شاخص‌ها برای انباشت فروع فقهیه ای که مربوط به این باب باب فقه مهندسی ژنتیک، می‌توان جدولی طراحی کرد. عنصر نافع بودن، مضر بودن، قطعی بودن نفع یا ظنی بودن نفع، حد ضرر و نفع مترتب بر آن فعل، احیاناً حدود به لحاظ کمی و لحاظ کیفی، این‌ها می‌تواند بر تولید فروع ملاحظه شود و حکم ناشی از این نکات و جهات متفاوت شود.

کما اینکه مسئله و جهت دیگری که می‌تواند در تفریع فروع و تولید حکم مؤثر باشد مسئله‌ی حدود و ضرورت است. مسئله‌ی ضرورت یا عدم ضرورت می‌تواند در این قضیه مؤثر باشد. مثلاً اگر زیان‌بار است، آیا ضرورت‌هایی اقتضا می‌کند تن به آن بدهیم؟ حد آن ضرورتی که قابل فرض است تا کجا و چه قدر است؟ مسئله ضرورت می‌تواند در تولید انواع فروع، فروع و احکام مربوط به آن دخیل باشد.

این ملاحظات هفت - هشت گانه‌ای که عرض شد، ملاحظاتی است که می‌تواند سامانه‌ای را به وجود بیاورد و منطقی را به عنوان منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل این حوزه مهم فقهی تولید کند. که بر اساس آن بتوانیم ساختاری برای فقه مهندسی ژنتیک ارائه کنیم و شروع کنیم بخش به بخش و فصل به فصل، فروع قابل طرح را بر اساس ملاحظاتی که گفته شد عنوان کنیم و راجع به حکم آن بحث کنیم. ان شاء الله.

به جای تلخیص و جمع‌بندی متن نوشته‌ی راجع به منطق تفریع و تفصیل فروع و مسائل فقه زیست‌فناوری بشرح زیر است اینجا تقدیم می‌کنیم:

منهجيةً تفريع فروع فقه التكنولوجيا الحيوية و تفصيل مسائله.

فقد تتشكل هذه المنهجية عن عدة جهات و ملاحظات، نشير الى مهامها طباقاً.

الأولى ١: ملاحظة ما ترتبط بالتكنولوجيا الحيوية و فقهها من «المبادئ النظرية» (الفلسفية و الكلامية)، و «القواعد الأخلاقية» (الأصول/الضوابط القيمة) و «القواعد الفقهية»، و التلويح العابر إلى دور كل واحد من هذه المبادئ و الأصول و القواعد في احكام مجالات فقه التكنولوجيا الحيوية، قبل الخوض في البحث عن فروع تلك المجالات و مسائلها.

الثانية: احصاء المجالات التي ترتبط بها التكنولوجيا الحيوية (و هي التي قد اشرنا الى اهمها آنفاً)، و هي تُعتبر كالمحاور الأساس لتبويب بحوث هذا الحقل الفقهي.

الثالثة: ثم احصاء أطراف كل من تلك المجالات و حقولها الأصلية و استقصاء فروعها بالكامل (كمثل مشتقات الكائنات الحية (حياتها و غيرحياتها) التي تتعلق بها هذه التقنيّة)، و تنسيق الأطراف و الحقول ذيل المجالات حسب كل منها في صورة جدولته تختص به.

الرابعة: ثم لحاظ انحاء التعديلات التي تُتوقع أن تقع في الكائنات الحية، و مراتب الحالات الطارئة على كل منها حسب انحاء التعديلات: تركيب/التخليط الساذج من دون أي تغيير و تبديل في الكائنات (كخليطة الماء و التراب مثلاً) تارةً، و كالتبديل و الإستحالة بسبب تغيير الكائنات (كتبديل الحجر المعدنيّة بالحديد أو الزجاج مثلاً) أخرى ٢، و كمزاج البعض مع آخر بحيث يغير صورتها النوعية (كإيلاد حيوان ذات الوراثة: مثل البغال، أو توليد ألياج حديدى حديث) ثالثةً، و تغيير مبادئ تكوين الشيء و علله (كإيلاد الحيوان من غير النطفة و النكاح بواسطة تكثير العنصر الحي) رابعةً، و ما الى ذلك.

الخامسة: ثم لحاظ انواع المصنوعات التي تحصل من التقنيات و التعديلات هذه (مثل آلات الحرب، او آليات العيش، او ...) و جهة النتائج النافعة أو الضارة المترتبة على المصنوعات، و حدود الضرر او النفع، من حيث الشدة و الضعف و من جهة الكمية و الكيفية.

السادسة: ثمّ لحاظ الغايات المقصودة من التقنيّات و التعديلات، و الضرورات الطارئه عليها حسب الموارد، و دور إرادته المكلّفين في ما يقع من الأفعال في تلکم الجهات.

السابعة: استظهار/اصطياد ما يتعلّق من الأحكام الخمسه التكليفيّه بالنحو الأوّلى او الثانوى (و هكذا الأحكام الوضعيّه الّتي ترتبط بالمجالات حسب الموارد)، و فّق المبادئ و القواعد و الأدلّه، بملاحظه «المجالات و اطرافها» تارةً، و «انحاء التعديلات» (وفق ماهيّه الفعل) أخرى، و «انواع المصنوعات» و مضارها و منافعها (باعتبار ذاتها او الطوارئ العارضه عليها و الجهات المحتمله حسب الموارد) ثالثهً، و «الغايات المقصوده» و «الضرورات الطارئه» رابعهً.

این بحث دیگری بود از سیر و ساختار پیشنهادی که قبلا وعده کرده بودیم. خب، بحث امروز را جلسه بعد تکمل می کنیم و به بحث بعدی ان شالله می پردازیم.